

جایگاه حقوق نسل‌های آینده در روایات اهل بیت علیهم‌السلام

مصطفی کرمی‌پور^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱)

چکیده

حقوق نسل‌های آینده از مباحث عدالت بین نسلی است، که به موجب آن مواهب الهی که از نسل قبل به نسل فعلی به ارث رسیده است، به نسل آینده منتقل گردد و هر نسلی حق استفاده از مواهب الهی را داشته باشد. بدین معنا که طبیعت و منابع موجود در آن متعلق به همه انسان‌ها و نسل‌ها است و برای برطرف کردن نیازهای آنان آفریده شده است و هیچ دلیلی مبنی بر تعلق مواهب الهی بر نسل فعلی و برتری آنان به نسل‌های آینده وجود ندارد و روایات اهل بیت علیهم‌السلام مشتمل بر آموزه‌های مهمی در این زمینه بوده و نشان‌دهنده این است. آن چه در آسمان و زمین وجود دارد، متعلق به همه انسان‌ها در تمام اعصار است و روایات وارده در این خصوص به علاوه بر نسل کنونی (موجودین)، شامل نسل‌های آینده (معدومین) نیز می‌شود و بر ضرورت حفاظت از حقوق نسل‌های آینده و مواهب الهی تأکید دارد و در کنار توجه به بعد معنوی، بشریت را به رعایت حقوق نسل‌های آینده تشویق نموده و اصول و ضوابطی را برای حفاظت از این امر مقرر نموده است.

کلید واژه‌ها: حقوق، نسل فعلی، نسل آینده، روایات، عدالت بین نسلی.

۱. مدرس دانشگاه و فارغ التحصیل دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران؛
karamipourmostafa@gmail.com

۱- بیان مساله

نعمت‌های الهی و منابع طبیعی جهت استفاده انسان‌ها به عنوان اشرف مخلوقات آفریده شده است. در این راستا گروهی عقیده دارند که مواهب الهی، جهت استفاده نسل موجود است و دلیلی بر نگهداری و انتقال آن به نسل‌های آینده، وجود ندارد و گروهی دیگر معتقدند؛ نسل فعلی، مجاز به استفاده از همه مواهب الهی نیستند و همانطور که نسل‌های قبلی به نسل‌های فعلی منتقل سازند، نسل فعلی نیز وظیفه دارند به عنوان امانت به نسل‌های آینده منتقل نمایند، در این میان گروه سوم نظر بینابین ارائه کرده و معتقدند نسل فعلی نیز در صورت رعایت حقوق نسل‌های آینده، حق بهره‌برداری از مواهب الهی را دارند. از طرفی عده‌ای عقیده دارند که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به حقوق نسل‌های آینده اشاره‌ای نشده است و این موضوع نخستین بار در کنوانسیون‌های بین‌المللی ذکر شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی عهده‌دار بررسی حقوق نسل‌های آینده در روایات و بیان تکلیف نسل فعلی در برابر نعمت‌های الهی است. بر اساس روایات، منابع طبیعی به یک نسل خاصی تعلق ندارد و طبیعت و منابع موجود در آن متعلق به همه انسان‌ها و نسل‌ها است و برای برطرف کردن نیازهای آنان آفریده شده است و هیچ دلیلی مبنی بر تعلق منابع طبیعی بر نسل فعلی و برتری آنان به نسل‌های آینده وجود ندارد و نسل کنونی همانگونه که حق بهره‌برداری و استفاده از این مواهب را دارند؛ در مقابل تعهد و تکلیف حفاظت از این منابع و انتقال آن به نسل‌های آینده را نیز دارند و لازم است به عنوان جانشین خداوند، این امانت الهی را به آیندگان بسپارند و عدم رعایت این حق، روا داشتن ظلم و ستم به نسل‌های آینده خواهد بود که ضمان و مسولیت آن متوجه نسل فعلی است.

۲- مقدمه

با نگاهی به متون دینی و روایات و احادیث وارده، چنین به دست می‌آید که نسل‌های

آینده دارای حقوقی هستند که در دین مبین اسلام به آن سفارش گردیده است و تلاش برای حفظ و حمایت از آن، برای بهره‌مندی بشر از آن حقوق، جهت نیل به آن مورد اهتمام اسلام است. دین مبین اسلام همانطور که به خود انسان و زندگی او توجه داشته است و دستورات و احکامی برای سبک و شیوه این زندگی در نظر گرفته است، به محیط زندگی بشر و نسل‌های آینده نیز توجه خاصی نشان داده است و روایات قابل توجهی جهت رعایت حقوق نسل‌های آینده وجود دارد و هم‌چنین با ارزش قائل شدن برای طبیعت، موجودات و کائنات، انسان را موظف می‌کند در کنار وظایف عبادی و اجتماعی خویش، توجه خاص به رعایت و حفظ حقوق نسل‌های آینده داشته و با رعایت دستورات اخلاقی و فقهی مرتبط با آن، حتی برای رشد و تعالی روحی و فرهنگی و ارزشی خویش نیز زمینه‌سازی نماید. برخی حق‌ها را بدون توجه به جهان بینی الهی نمی‌توان تفسیر و تبیین کرد، برای مثال، اینکه آیندگان نیز حقی دارند و ما در برابر نسل‌های آینده مسئول هستیم، جز با نگرش الهی و توجه به روایات، تفسیرپذیر نیست نسل آینده‌ای که هنوز به دنیا نیامده چه حقی بر گردن انسان‌های عصر حاضر دارد و ما چرا باید در برابر آنها احساس مسئولیت بکنیم؟ این مساله فقط با توجه به اعتقاد به خدا و هدفداری خلقت قابل پذیرش هست؛ یعنی دستگاه خلقت بر اساس غایتداری موجودات، همه افراد را به یکدیگر مرتبط ساخته و این خداوند است که حق‌هایی را بر عهده افراد نهاده و در مقابل هر حق، تکلیفی را مشخص کرده است. مسئولیت نسل‌های آینده و این حرف‌ها همه بر این اساس است که دنیا نظام حکیمانه‌ای دارد و این خلقت، به سوی هدف‌هایی پیش می‌رود به این ترتیب که چون دنیا به سوی هدف‌هایی پیش می‌رود، حق را خود خلقت به وجود آورده است، آن وقت ما در مقابل خلقت مسئولیت داریم.» (مطهری، ۱۳۹۰/۲۱)

درباره پیشینه این موضوع باید گفت؛ تحقیقی که به صورت مستقل به حقوق نسل‌های آینده در روایات اهل بیت پرداختد، وجود ندارد. اغلب پژوهش‌های انجام شده به بررسی حقوق نسل‌های آینده در اسناد بین‌المللی و محیط زیست پرداخته‌اند، لکن در این میان

مقاله‌ای تحت عنوان «نسبت دین و محیط زیست» توسط عزیزالله فهیمی نگارش شده که به اهمیت محیط زیست و حفظ آن از دیدگاه اسلام پرداخته است و مقاله دیگری تحت عنوان «بررسی فقهی و حقوقی عدالت به عنوان مبنای حقوق نسل‌های آینده» توسط مهدی فیروزی به قلم تحریر درآمده که در این پژوهش حقوق نسل‌های آینده از بُعد عدالت تکوینی و تشریعی بررسی گردیده است. مقاله دیگری تحت عنوان «شکل‌گیری و توسعه مفهوم حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط زیست» توسط سیدعباس پورهاشمی کتابت شده که به حقوق محیط زیست در اسناد الزام‌آور و غیر الزام‌آور پرداخته است و پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان «حقوق نسل‌های آینده از منابع حیاتی از منظر فقه و حقوق اسلام» در دانشگاه تهران توسط سیدمحمود هلاتایی به نگارش درآمده که به موضوعاتی مانند نظریه خطابات قانونی، وقف، وصیت و ارث پرداخته است. با توجه به اهمیت موضوع و نپرداختن به آن، برخی‌ها معتقدند؛ فقط اسناد بین‌المللی به حقوق نسل‌های آینده پرداخته و در دین اسلام به این امر اشاره‌ای نشده است که در این پژوهش جایگاه حقوق نسل‌های آینده از منظر روایات اهل بیت علیهم‌السلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- تحلیل مفاهیم

اصطلاح «نسل‌های آینده» و «حقوق نسل‌های آینده» مفاهیم اصلی و محوری این نوشته هستند که تبیین و تحلیل این مفاهیم، می‌تواند به برداشت‌های صحیح از ابعاد مختلف موضوع کمک شایانی نماید. بنابراین در این گفتار به بیان این واژگان می‌پردازیم.

۳-۱. مفهوم نسل‌های آینده

۳-۱-۱. مفهوم لغوی نسل

لغت نسل، واژه عربی و مصدر است، در معنی اسم مفعول بکار رفته است (عکبری، ۵۳). به معنای انفصال و جدا شدن از چیزی نیز آمده است و در آیه ۵۱ سوره یس به همین معنا

ذکر شده است «و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون» و نسل به فرزند و اولاد از آن جهت که از والدین خود جدا می‌شود، نیز اطلاق می‌گردد (راغب اصفهانی، ۸۰۲). در آیاتی از قرآن کریم نیز واژه نسل به معنای فرزند و ذریه بیان شده است (طبرسی، ۱۸۰/۲ و فخر رازی، ۳۴۷/۵). مانند: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (البقره، ۲۰۵). «هنگامی که ولایت و سلطه پیدا کنند با تمام قدرت در گسترش فساد در زمین می‌کوشند و مال و جان مردم را از بین می‌برند در حالی که خدا فساد را دوست ندارد». منظور از هلاکت نسل، انحراف نسل آینده است (قرائتی، ۲۶۷/۱) مراغی و فخر رازی در تفاسیر خود بیان نموده‌اند که احتمالا مراد از نسل، فرزندان هستند (مراغی، ۵۶۱/۵ و فخر رازی، پیشین). همچنین در روایات منقول از ائمه اطهار علیهم‌السلام، که در تفسیر آیه ۲۰۵ سوره بقره وارد شده است نیز به معنای فرزند و ذریه بیان شده است که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «النسل الولد و الحرث الارض» و قال ابو عبدالله علیه‌السلام الحرث الذریه؛ منظور از نسل ولد و حرث، زمین است و در جایی دیگر فرموده‌اند حرث همان فرزندان است» (مجلسی، ۱۸۹/۹ و عیاشی، ۱۰۰/۱) امام کاظم علیه‌السلام فرموده: «النسل هم الذریه و الحرث الزرع؛ منظور از نسل، فرزندان و منظور از حرث کشت و زرع است» (همان). و نیز از امام صادق علیه‌السلام نقل شده: «أن الحرث فی هذا الموضع: الدین و النسل، الناس؛ منظور از حرث در اینجا، دین و نسل، مردم هستند» (همان).

فقها نیز در کتاب‌های فقهی در بحث نکاح و فواید آن همین مفهوم را بیان نموده‌اند (نجفی، ۲۹/۱۷ و حلی، ۱۵۷/۳). اما از فقهای معاصر آیت الله جوادی آملی معتقد است واژه «نسل» مختص انسان نیست و مطلق موجودات زنده اعم از انسان و حیوان را شامل می‌شود (جوادی آملی، ۲۷۵/۱۰).

همچنین در مفهوم نسل گفته شده: نسل به انسان‌هایی که در یک دوره زمانی زندگی کرده‌اند یا متولد شده‌اند و دارای اشتراکاتی هستند؛ گفته می‌شود معمولا افرادی که به صورت میانگین در زمانی در حدود ۳۰ سال بدنیا آمده‌اند و دوران نوجوانی، جوانی،

میان‌سال‌ی، و سال‌خوردگی آنها از نظر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی جامعه شرایط یکسانی داشته است، گفته می‌شود (ساروخانی، ۱۱۰) و دانشمندان بازه زمانی بین دو نسل را بین ۲۵ الی ۳۰ سال تخمین زده‌اند و برخی هم نسل را به فاصله بین تولد والدین و تولد فرزندان تعریف کرده‌اند و غالب مردم در مدت عمرشان؛ سه نسل پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها فرزندان و خودشان را تجربه می‌کنند (کریستوفر، ۶). و هنگامی که دو هم نسل با هم ازدواج نموده و بچه‌دار شوند فرزندشان در نسلی غیر از نسل آنان متولد می‌شود که یادآور حدیث حضرت علی علیه السلام هست که می‌فرماید: «لاتقسروا اولادکم علی آدابکم فإنهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم؛ فرزندان خود را به آداب و رسوم خودتان اجبار نکنید زیرا آنان برای روزگاری غیر از روزگار شما خلق شده‌اند» (ابن‌ابی‌حدید، ۲۶۷/۲۰).

۳-۱-۲. مفهوم اصطلاحی نسل

اصطلاح «نسل» زمانی که با شجرنامه خاصی مرتبط باشد، معنای روشنی دارد، اما هنگامی که چشم‌انداز انتزاعی آن فراتر از چارچوب خانواده قرار گیرد دارای معنای مبهمی خواهد بود. یک روش مجزا برای انتزاعی کردن این اصطلاح این است که گروه مردم برحسب دسته‌های مرتبط با آمار و جمعیت‌شناسی، نسل حاضر می‌باشند که دیگران به راحتی نسل‌های آینده به عنوان کسانی که بعد از آخرین فرد نسل حاضر که در گذشته است تولد یابند، تعریف می‌شوند. به تعبیر دیگر، اصطلاح نسل‌های آینده به تمام افراد متولد نشده آینده با یک محدوده جغرافیایی خاص اشاره می‌شود (ساعد وکیل، ۴۸).

ابهامی که در این بحث وجود دارد این است که دوره‌ی حیات با پیشرفت تکنولوژی و طبیعتاً با افزایش طول عمر متغیر است و به‌طور دقیق قابل تخمین و تعیین نیست، از آن‌جا که حتی امروزه طول عمر با تفاوت‌هایی که از نظر دستیابی به علوم جدید و تکنولوژی بین کشورها توسعه یافته و در هر حال توسعه وجود دارد متفاوت است و طبیعتاً آیندگان نیز با پیشرفت‌هایی که حاصل خواهند نمود دوره‌ی زندگی طولانی‌تری خواهند داشت. بنابراین

با روشن نبودن دوره‌ی حیات، مفهوم نسل آینده نیز با تردید روبه‌رو خواهد شد. اصولاً مرز بین نسل حاضر و آینده کجاست؟ آیا همه‌ی انسان‌های زنده در هر لحظه را می‌توان نسل حاضر دانست؟ در رفع این ابهام باید گفت که به نظر می‌رسد طول حیات و موجودیت نسل‌ها مهم نیست، بلکه باید نسل را مجموعه‌ای از افراد بدانیم که به‌طور مستمر شکل دهنده‌ی آن هستند و بنابراین تفاوتی میان افراد یک نسل نیست. آنچه حائز اهمیت است وجود پایدار و مستمر انسان بر روی کره‌ی زمین است. که از مجموع آن بشریت به وجود می‌آید، و می‌توان آن را به رودخانه‌ی بزرگی تشبیه نمود که همواره جریان دارد و از ترکیب جریان‌های آبی بزرگتر می‌شود، به طوری که نمی‌توان بین اجزای تشکیل دهنده‌ی آن تفاوتی گذاشت. لذا هرچند ابهام در مفهوم نسل‌های آینده است ولی بشریت هم چنان به عنوان یک نسل دارنده‌ی حق، شناسایی شده است (امامی مبین، ۲۸).

۴- تعلق طبیعت و مواهب الهی به نسل فعلی و نسل‌های آینده

در ابتدا لازم است به این پرسش پاسخ دهیم که آیا این طبیعت و نعمت‌های موجود در آن، متعلق به نسل فعلی است یا اینکه مشترکاً برای نسل‌های فعلی و نسل آینده می‌باشد؟ نسل فعلی تا چه میزان می‌تواند از این منابع خدادادی استفاده نماید؟ نعمت‌های الهی بدون در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی، نژاد و نسل برای همه انسان‌ها آفریده شده است. طبیعت و منابع موجود در آن متعلق به همه انسان‌ها و نسل‌ها است و برای برطرف کردن نیازهای آنان آفریده شده است و هیچ دلیلی مبنی بر تعلق مواهب الهی بر نسل فعلی و برتری آنان به نسل‌های آینده وجود ندارد و هیچ نسلی در استفاده از آن بر دیگر نسل‌ها ترجیح ندارد و تقدّم یک نسل بر نسل دیگر دلیلی بر اولویت آنان در بهره‌برداری از منابع موجود و فعلی نمی‌باشد. امام علی علیه‌السلام به زمامداران و دولتمردان دستور می‌دهد که همه را در برابر حق یکسان ببینند (سیدرضی، نامه ۵۹). در دین مبین اسلام اولویت و برتری برای فرد و گروهی نسبت به دیگران نیست و همه در برابر حقشان مساویند و نمی‌توان مواهب الهی را

در انحصار گروه یا فردی قرار داد (همان، نامه ۵۴). مقام معظم رهبری در پیام به اولین همایش حقوق محیط زیست در این زمینه یادآور شدند: «خداوند زمین را برای همه انسان‌ها آفریده است، متعلق به بعضی نیست، بعضی حق بیشتری از بعضی دیگر ندارند و متعلق به نسلی دون نسلی نیست، امروز متعلق به شماست فردا به فرزندان شما، نوه‌های شما، دودمان شما تا آخر تعلق دارد در حقیقت، «هدف متعالی اسلام، برخورداری ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی و ایجاد جامعه سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی را برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده‌روی و تقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است.» (خامنه‌ای، ۳۴). و به تعبیر دیگر طبیعت از دیدگاه اصولی و به خاطر ماهیت وجودی‌اش به تمام انسان‌ها و به تمام نسل‌ها به یک اندازه تعلق دارد. سرمایه‌ای است که باید هر نسلی بدون دست‌اندازی به اصل سرمایه از آن بر خوردار شود. هر کسی که از سرمایه‌های عمومی استفاده‌ای می‌برد وظیفه دارد، دست کم همان قدر سرمایه را برگرداند. همان‌گونه که پدر و مادر برای فرزندان خود ارث باقی می‌گذارند، هر نسلی هم موظف به واگذاری میراث‌های ارزشمند و از آن جمله طبیعت سالم و زمین پربار برای نسل بعد از خویش است... اما حقیقت این است که ما اکنون در موقعیت وارونه‌ای به سر می‌بریم: مخارج و هزینه‌های نظام درمانی، بیمه بازنشستگی، وام‌ها و بدهی‌های ملی مرتب سیر فزاینده‌ای را نشان می‌دهند. از سرمایه‌گذاری در بخش‌های آینده ساز آموزش و پرورش و صنایع پایه‌ای کاسته می‌شود. چنین وضعی درباره نسل‌های آینده به‌طور کامل غیر مسئولانه و ناعادلانه عمل می‌کند. (هوفه، ۹۰). بنابراین بهره‌برداری از منابع طبیعی مانند آب، هوا، گیاهان، حیوانات، معدن‌های زمینی یا منابعی که در دریاها و آسمان‌ها وجود دارد حق همه مردم است به‌طور یکسان و مساوی و برای شخصی یا گروهی جایز نیست، مردمان دیگر را از این حق منع کنند؛ یعنی حق همه مردم است اعم از اینکه بالفعل موجود هستند یا در آینده به وجود می‌آیند و در حقیقت شامل موجودین و غیر موجودین می‌شوند. و

بهره‌برداری از منابع طبیعی به گونه‌ای که موجب ضرر و زیان یا محرومیت دیگران از آن شود، جایز نیست هرچند این بهره‌برداری در ملک شخصی او باشد. به عنوان مثال، شایسته نیست هوای پاکی که دیگران استنشاق می‌کنند، آلود شود یا با گازهای مضر مخلوط شود، یا آب دریاها و رودخانه‌ها را با فاضلاب یا دیگر آب‌های ناسالم آلوده نمایند یا زمین را با زباله آلوده کنند یا با انجام آزمایش‌های هسته‌ای و شیمیایی امنیت و سلامت انسان را به خطر بیندازند، حتی جان حیوانات و گیاهان را نیز به خطر انداختن جایز نیست.

برای هیچ کس جایز نیست تخریب یا از بین بردن اشیاء یا اموالی که مناسب برای مصرف و استفاده است مثل سوزاندن یا دفن قربانی در موسم حج بدون اینکه توجیه و دلیل منطقی داشته باشد. برای هیچ فرد و گروهی جایز نیست که مازاد تولید غلات را از بین ببرد یا بسوزاند در حالی که مردم گرسنه یا فقیر در نقاطی از جهان وجود دارد هر چند که آنها ملک شخصی خود باشد. بهره‌برداری نامناسب و بیش از اندازه، از منابع طبیعی مانند جنگل‌ها، دریاها و منابع انرژی از قبیل آب، نفت، گاز، مواد معدنی و امثال آنها «که متعلق به همه هست»، به طوری که موجب محرومیت نسل‌های آینده شود، جایز نیست. زیرا نسل‌های آینده نیز بر منابع طبیعی که خداوند به بشر عطا کرده حق دارند و همه در قبال این حق مسئول هستند. درست است که نسل‌های آینده اکنون وجود ندارند، اما شریعت الهی در این منابع حقی را برای آنها مقرر کرده است و در این حق با نسل معاصر و فعلی شریک هستند و باید حقوق آنان رعایت گردد. (منتظری، ۲۱۳).

بدیهی و روشن است که منظور از رعایت حقوق نسل‌های آینده به منزله عدم استفاده نسل فعلی از مواهب الهی و منابع موجود مانند آب، برق، گاز و هوا نیست که فقط آن را برای نسل‌های آینده حفظ نمایند زیرا در این صورت نسل فعلی را در استفاده از مواهب الهی به خاطر نسل آینده محروم ساخته‌ایم که این اجحافی است در حق نسل فعلی که جایز و روا نمی‌باشد؛ بلکه منظور استفاده و بهره‌برداری صحیح و اصولی از مواهب الهی که حقوق هر دو نسل به نحو احسن تضمین گردد و عدالت بین نسلی نیز بدین معناست که

ضمن اهمیت دادن به نسل فعلی و حفظ حقوق آنان، حقوق آیندگان نیز محفوظ بماند و بدین صورت نباشد که هزینه زندگی نسل فعلی بر آیندگان تحمیل گردد.

۵- روایات دال بر حقوق نسل‌های آینده

روایات ائمه علیهم‌السلام، به مقوله حفظ و حمایت از حقوق نسل‌های آینده عنایت ویژه داشته است و روح کلی این روایات ایجاد حس مسئولیت و رعایت عدالت و امانتداری در برابر پدیده‌های طبیعی و موجودات پیرامون است و دربرخی از روایات نیز کیفیت تعامل با حیوانات، اشجار و گیاهان و غیره را مشخص می‌کند و امام علی علیه‌السلام در یک خطبه از نهج‌البلاغه در بدو خلافتش فرموده است: «اتقوا الله فی عبادته و بلاده فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم.» (سیدرضی، خطبه ۱۶۵).

روایاتی که در این زمینه وارد شده است به چند دسته تقسیم می‌شود که در ذیل هر کدام به طور مجزا و جداگانه بیان می‌گردد.

۵-۱. روایات دال بر خلقت ذخایر طبیعی برای انسان

روایتی از امام صادق علیه‌السلام خطاب به مفضل می‌فرماید: «فَكَرَّ يَا مُفَضَّلُ فِي هَذِهِ الْمَعَادِنِ وَ مَا يُخْرَجُ مِنْهَا مِنَ الْجَوَاهِرِ الْمُخْتَلِفَةِ مِثْلَ الْجَصِّ وَالْكِلسِ وَالْجَبْسِ وَالزَّرْنِیْخِ وَالْمَرْتَكِ وَالْثَوْتِیَاءِ وَالزُّبْقِ وَالنُّحَاسِ وَالرَّصَاصِ وَالْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ وَالزَّبْرَجَدِ وَالْيَاقُوتِ وَالزُّمَرْدُ وَ ضُرُوبِ الْحِجَارَةِ وَكَذَلِكَ مَا يُخْرَجُ مِنْهَا مِنَ الْقَارِ وَالْمُومِیَا وَالْكَبْرِیْتِ وَالنَّفْطِ وَغَیْرِ ذَلِكَ مِمَّا یُسْتَعْمَلُهُ النَّاسُ فِی مَآرِبِهِمْ فَهَلْ یَخْفَى عَلَی ذِی عَقْلٍ أَنَّ هَذِهِ كُلُّهَا ذَخَائِرُ ذُخِرَتْ لِلْإِنْسَانِ فِی هَذِهِ الْأَرْضِ لِیُسْتَخْرِجَهَا فِیُسْتَعْمَلَهَا عِنْدَ الْحَاجَةِ إِلَيْهَا؛

ای مفضل! به معادن و اشیاء گرانمایی که از آن‌ها خارج می‌شود مانند گچ، آهک، سنگ گچ انواع زرنیخ، مردار سنگ، قلع، جیوه، مس، سرب، نقره، طلا، زبرجد، یاقوت، زمرد و انواع سنگ‌ها بیندیش هم چنین به قیر، مومیا، گوگرد، نفت و سایر چیزهایی که

مردم در نیازمندی‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهند، بنگر. آیا بر هیچ عاقلی پوشیده است که همه این‌ها ذخائری هستند که برای انسان در زمین ذخیره شده‌اند تا آنها را استخراج کند و هنگام نیاز مورد استفاده قرار بدهد.» (مجلسی، ۱۲۹).

در این حدیث به برخی از ذخایر طبیعی که از معادن خارج می‌شود اشاره نموده است مانند طلا، مس، نقره، زمرد و ...

وجه استدلال به حدیث فوق بدین صورت است که برخی از کلمات بکار رفته در حدیث دال بر نسل‌های آینده نیز هست مانند: «یستعمله الناس فی مآربهم» که در اینجا واژه ناس مطلق است و به همه مردم در هر عصری دلالت دارد و از طرفی «الف و لام» جنس است و شامل عموم مردم اعم از موجودین و معدومین می‌شود و همچنین واژه «فی مآربهم» ناظر بر این است که در نیازمندی‌هایشان از این ذخایر استفاده نمایند اولاً لازم است استفاده از ذخایر در هنگام نیاز باشد و بیش از نیاز جایز نمی‌باشد و ثانیاً این نیاز همانطور که برای نسل فعلی وجود دارد برای نسل آینده نیز قابل تصور است و امکان آن میسر می‌باشد. و واژه «ذُخِرَتْ لِلانسان» و «فی هذه الارض» و «لیستخرجها» و «فیستعملها» و «عند الحاجة» ناظر به بحث ما می‌باشد زیرا منظور از «ذُخِرَتْ لِلانسان» این است که برای همه انسان‌ها ذخیره شده است و به مطلق انسان‌ها اشاره کرده و شامل انسان‌های نسل حاضر و آینده می‌شود یعنی انسان‌هایی که در این زمین هستند تا از این ذخایر استخراج نمایند و در زمان نیاز مورد استفاده قرار دهند اولاً استخراج و استفاده برای کلیه نسل‌های بشری مجاز است و ثانیاً نسل فعلی نیز فقط در زمان نیاز، مجاز به استخراج و استفاده از آن دارد و نباید بیش از نیاز خود از این ذخایر بهره‌برداری نماید و نیازهای نسل آینده را نادیده انگارد چرا که در این حدیث دلیلی بر اینکه نسل کنونی حق استخراج دارد یا اینکه نسل‌های آینده حق بهره‌برداری ندارند، وجود ندارد و حدیث مذکور به طور مطلق حق استخراج و بهره‌برداری را برای انسان مجاز می‌داند اما مشروط به اینکه مازاد از نیاز و تضییع حقوق نسل‌های آینده نباشد و از طرفی حدیث مذکور به صورت

قضیه حقیقه بیان شده است و در قضایای حقیقه چیزی که اهمیت دارد عنوان و طبیعت آن بدون در نظر گرفتن افراد خارجی است و شامل افراد معدوم نیز می‌شود و اصل در آموزه‌های دینی به ویژه در قرآن و روایات قضایای حقیقی است مگر اینکه خارجی بودن آن اثبات گردد (طباطبایی، ۷۸). در ما نحن فیه با توجه به اینکه ذخایر طبیعی برای نیاز انسان‌ها اشاره شده و حکم آن کلی بیان شده و اختصاص به حکم خاص و گروهی ندارد قضیه حقیقی بودن آن اثبات می‌شود و اغلب روایات معصومین به صورت قضایای حقیقه هستند که مضمون آن برای همگان حجت هستند و اختصاصی دانستن آن به گروه خاصی نیازمند دلیل خاص و ثانویه می‌باشد که در اینجا مفقود است بنابراین روایت فوق یک حکم کلی را برای استخراج ذخایر در هنگام نیاز بیان نموده است شامل نسل‌های آینده نیز می‌شود.

۵-۲. روایات دال بر امانت بودن اموال در دست انسان‌ها و جلوگیری از اسراف

روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد که اموال را امانت الهی می‌دانند و مقرر می‌دارند که باید به میزان نیاز از آنها استفاده شود به عنوان نمونه امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «أَتَرَى اللَّهَ أُعْطِيَ مَنْ أُعْطِيَ مِنْ كَرَامَتِهِ عَلَيْهِ وَ مَنْعَ مَنْ مَنَعَ مِنْ هَوَانٍ بِهِ عَلَيْهِ لَا وَ لَكِنَّ الْمَالَ مَالُ اللَّهِ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَ دَائِعَ وَ جَوَرَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْداً وَ يَلْبَسُوا قَصْداً وَ يَنْكِحُوا قَصْداً وَ يَرْكَبُوا قَصْداً وَ يَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَلْمُوا بِهِ شَعْنَهُمْ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلَالاً وَ يَشْرَبُ حَلَالاً وَ يَرْكَبُ وَ يَنْكِحُ حَلَالاً وَ مَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَاماً ثُمَّ قَالَ: لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ آیا می‌پنداری که وقتی خداوند به کسی مالی می‌دهد، به سبب بزرگواری اوست؟! و اگر کسی را از مال محروم می‌کند به سبب خواری او نزد خداست؟! هرگز! اموال از آن خداست و آن را نزد مردم به عنوان امانت می‌گذارد و اجازه می‌دهد که از روی اعتدال از آن بخورد مابقی را به نیازمندان مومنان بدهد و شکاف‌های زندگی ایشان را پر کند. و اگر چنین کند آنچه که می‌خورد و می‌آشامد و سوار می‌شود و ازدواج می‌کند حلال است و اگر از اندازه تجاوز نماید، همه تصرفاتی که کرده حرام است،

سپس فرمود: اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد.» (حرعاملی، ۵۰۰/۱۲).

تطبیق این حدیث با موضوع مورد بحث ما این است اگر خداوند متعال استفاده از ذخایر طبیعی را برای نسل حاضر ممکن ساخته به این دلیل نیست که نسل حاضر کرامت و شایستگی خاصی داشته که خداوند این نعمت‌های الهی را به آنها اعطا نموده است و یا اگر نسل‌های آینده امکان بهره‌برداری از ذخایر طبیعی را ندارند به سبب خواری و ذلیل بودن نسل آینده است که از این نعمت الهی محروم شده اند، بلکه این ذخائر، امانت الهی نزد ما هستند و ما بر حسب شرعی وظیفه داریم جهت حلال بودن انتفاع بدون اسراف و تبذیر از آن‌ها بهره‌برداری کنیم. زیرا اگر در استفاده از این امانت الهی اسراف نماییم، تصرفات ما حرام می‌شود. هر چند ممکن است افرادی قائل بر این باشند که حدیث مذکور ناظر به افراد درون یک نسل است و بدین معنا که اگر افرادی در یک نسل از تمکن مالی فراوانی برخوردار هستند به سبب بزرگواری او در نزد خدا نیست یا اگر در مقابل افرادی از اموال و نعمت‌های الهی محروم هستند به سبب خواری آنها نزد خدا نیست اما به نظر می‌رسد با وحدت مناط از حدیث مذکور می‌توان آن را علاوه بر «درون نسلی» به «بین نسلی» نیز سرایت داد و علاوه بر آن واژگانی مانند «المال مال الله» ناظر به نسل‌های آینده است و اموالی که از آن خداوند است اختصاص به یک نسل ندارد بلکه خداوند نعمت‌هایش را بر همه مردم در هر عصری نازل می‌کند و بدین صورت نیست که نعمت‌هایش را به یک نسل خاصی اعطا نماید و نسل دیگر را از آن نعمت‌ها محروم نماید و همچنین منظور از «عند الرجل» مردم هست و به دلیل مطلق بودن واژه مردم به تمام نسل‌ها دلالت دارد و واژه «دائع» نیز بر این دلالت دارد که اموال نزد نسل فعلی امانت است و لازم است امانت‌داری کنند و امانت را به صاحبان آن که نسل آینده است تحویل دهند و صرفاً به آنها اجازه دادند که از روی اعتدال و به اندازه کافی از آن بهره‌برداری کنند و اگر در استفاده از میزان نیاز تجاوز نمایند (عدا) تصرفات آنها حرام است.

۵-۳. روایات وارده در خصوص انفال و اراضی مفتوح العنوة

از روایت‌هایی که درباره‌ی اراضی مفتوح العنوة وارد شده است «یعنی زمین‌هایی که با جنگ به تصرف مسلمانان در آمده باشد» می‌توان بر تاکید اسلام به حقوق نسل‌های آینده پی برد، برای نمونه در روایتی از امام صادق (ع) درباره‌ی زمین‌های عراق سوال شده است؛ امام در پاسخ فرمود: «هُوَ لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ لِمَنْ هُوَ الْيَوْمَ وَلِمَنْ يَدْخُلُ فِي الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْيَوْمِ وَلِمَنْ لَمْ يُخْلَقْ بَعْدُ» این زمین‌ها از آن همه مسلمانان است، اعم از کسانی که امروز مسلمان هستند و کسانی که پس از این داخل اسلام می‌شوند و نیز کسانی که هنوز آفریده نشده‌اند. (طوسی، ۱۴۷/۲۷).

در این روایت صراحتاً به حقوق نسل‌های آینده اشاره شده است و بیان نموده است که همه مسلمان‌ها حق استفاده از این زمین‌ها را دارند هر چند که هنوز به دنیا نیامده باشند و در این روایت تاکید بر عنوان مسلمین است یعنی اعم از آنهایی که موجودند یا در آینده به دنیا می‌آیند و از اینکه می‌گوییم مال به عنوان مسلمین متعلق است بدین نحو که مانند قضایای حقیقی است که در آن فرض وجود نشده است بلکه هر وقت چیزی موجود شد حکم بر آن بار می‌شود مثل «اکرم العلما» هر وقت عالمی ظاهر شد باید او را اکرام نمود و در نتیجه این اراضی نیز متعلق به همه مسلمین است (مظاهری، ۷۸). بنابراین از حدیث فوق چنین استنتاج می‌گردد که نسل‌های بعدی نیز مانند نسل فعلی در استفاده از زمین‌های مفتوح العنوة سهیم هستند و نسل فعلی نباید سهم آنان را نادیده بگیرند و همچنین حکومت نیز وظیفه دارد در تصمیم‌گیری‌ها اقتصادی حقوق نسل‌های آینده را لحاظ نماید و از اتخاذ سیاست‌هایی که منجر به تضییع حقوق آنان می‌شود، اجتناب نمایند.

۵-۴. روایاتی که معیار عدالت عامل را بی‌نیازی مردم می‌داند.

امام کاظم (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَتْرُكْ شَيْئاً مِنْ صُنُوفِ الْأَمْوَالِ إِلَّا وَقَدْ قَسَمَهُ وَأَعْطَى كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ الْخَاصَّةَ وَالْعَامَّةَ وَالْفُقَرَاءَ وَالْمَسَاكِينَ وَكُلَّ صِنْفٍ مِنْ صُنُوفِ النَّاسِ

فَقَالَ لَوْ عُدِلَ فِي النَّاسِ لَأَسْتَعْنَوْا؛ خداوند هیچ قسمی از اموال را بدون تقسیم رها نکرده است و حق هر ذی‌حقی را اعطا فرموده است خاصه، عامه، فقراء، مساکین و هر گروه از مردم، سپس فرمود اگر میان مردم عدالت برقرار شود بی‌نیاز می‌گردند.» (کلینی، ۵۴۲/۱).
روایت فوق ملاک و معیاری برای عدالت به دست می‌دهند که عبارت است از بی‌نیاز شدن مردم، مفهوم این ملاک این است که اگر مردم نیازمند بودند، می‌توان فهمید که عدالت میان ایشان اجرا نشده است. (حکیمی، ۵۲۲/۶).

وجه استدلال به حدیث مذکور بدین صورت است که اولاً این حدیث به شکل قضایای حقیقی بیان شده است و شامل موجودین و معدومین می‌گردد. ثانیاً واژه‌های در این حدیث وجود دارد که ناظر به نسل‌های آینده است مانند «اعطی کل ذی حق حقه» و ذی حق، به صاحبان حق اشاره دارد و منظور از صاحبان حق، کسانی هستند که حق استفاده از اموال را دارد و در روایت مذکور تاکید بر عنوان «صاحب حق» شده است که به شکل قضایای حقی وارد شده و هر زمان صاحب حق موجود شد حکم بر آن لحاظ می‌شود و نسل‌های آینده نیز سهمی از این اموال دارند در نتیجه شامل کلیه صاحبان حق اعم از نسل فعلی و نسل آینده می‌شود و لازم است حق نسل‌های آینده به آنها اعطا گردد. زیرا درست است که نسل آینده فعلاً وجود ندارد اما بر اساس شریعت الهی حقی برای آنها مقرر شده است و نسل آینده با نسل فعلی در استفاده از این حقوق شریک هستند (متنظری، ۲۱۴). ثالثاً؛ عبارت «کل صنف من صنوف الناس» با توجه به اینکه «ناس؛ مردم» در این عبارت موضوعیت دارد و تاکید بر آن که به طور مطلق نیز بیان شده، شامل مردم نسل فعلی و نسل آینده می‌شود لکن با تفاوت بر اینکه مردم نسل آینده زمان که موجود شد؛ حق آنها باید اعطا گردد. رابعاً؛ عبارت «لو عدل فی الناس» یعنی اگر بین مردم به عدالت رفتار شود بی‌نیاز می‌شوند و رفتار با عدالت با مردم نیز اختصاص به عصر ائمه ندارد مگر قرینه‌ای در بین باشد که اشاره به موضوع خاص یا زمان و مکان خاصی دلالت دارد که در مانحن‌فیه مفقود است به دلیل اینکه همانطوری که قبلاً بیان گردید، احکام الهی بین موجودین و

معدومین مشترک است و زمانی که آیندگان تکلیف داشته باشند به تبع آن دارای حقوقی نیز هستند و همچنین غالب در احادیث نیز، بیان آن به صورت قضایای حقیقی است (طباطبایی، ۷۸).

براساس روایت فوق خداوند متعال حق هر ذی‌حقی اعم از خاصه، عامه، فقرا و مساکین را اعطا نموده است و هر گروه از مردم اعم از نسل فعلی و نسل آینده حق استفاده از آن را دارند لکن نسل فعلی که در استفاده از آن به سبب موجود بودن، حق اولویت دارند مکلفند در استفاده از مواهب خدادادی عدالت را رعایت نمایند و چنانچه نسل آینده از برخی از نعمت‌های الهی محروم شوند دلیل بر عدم رعایت عدالت نسل فعلی در چگونگی بهره‌برداری از این منابع است و در نتیجه علت نیازمندی نسل‌های آینده، ناعادلانه بودن رفتار نسل فعلی. بنابراین بر اساس قاعده عدالت، نسل فعلی وظیفه دارد حقوق نسل‌های آینده را رعایت نماید. همچنین این برداشت نیز متصور است که خطاب روایات فوق متوجه مسولیت حکومتی باشد و حکومت وظیفه دارد جهت ایفای حقوق نسل‌های آینده میان مردم به عدالت رفتار نماید.

۶- آیات دال بر حقوق نسل‌های آینده

علاوه بر روایات ذکر شده، آیاتی از قرآن کریم نیز وجود دارد که ناظر به حقوق نسل‌های آینده است که در ذیل به چند نمونه از آیات اشاره می‌کنیم:

۱-۶. اولین آیه که ناظر به حقوق نسل‌های آینده است، آیه ۱۹ سوره بقره است که خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا؛ او خدایی است که همه آنچه از نعمت‌ها در زمین وجود دارد برای شما آفریده است.» (البقره، ۲۹) این آیه بهره‌برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه انسانها، در همه زمان‌ها می‌داند؛ که باید به طور اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسانها به ویژه نسل‌های آینده صورت پذیرد.

۲-۶. خداوند متعال در سوره اعراف می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ؛ شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم.» (الاعراف، ۱۰). این آیه نیز، بیان‌کننده توانایی و امتیازی است که انسان؛ اعم از نسل حاضر و نسل آینده روی زمین قرار دارد، تا جایی که در آن وسایل زندگی او فراهم گردیده است.

۳-۶. آیه دیگر در سوره الرحمن ذکر شده است که خداوند می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ؛ (خداوند) زمین را برای همگان قرارداد.» (الرحمن، ۱۰).

بر مبنای این آیه کریمه، زمین حق همگانی است و همه انسان‌ها حق دارند از آن بهره‌مند شوند. بنابراین، استفاده از این حق، باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن، برای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ شود. زیرا خداوند متعال زمین را برای تمام انسان‌ها خلق نموده و ظرفیت زندگی همه انسان‌ها را در روی زمین لحاظ نموده است و لذا نسل فعلی نباید ظرفیت زندگی نسل‌های آینده را از بین ببرد.

علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «این حقیقت قرآنی است که پایه بسیاری از مقررات در اسلام به‌شمار می‌رود. اصل ثابتی که همه چیز در چارچوب آن قرار می‌گیرد، این است که جمع اموال برای همه است و مصلحت افراد تا حدی رعایت می‌شود که مصالح عامه با آن مخالفت نداشته باشد» (طباطبایی، ۱۸۳/۴).

۴-۶. آیه دیگر که دلالت بر ذخایر طبیعی به‌طور خاص دارد، آیه ۲۵ سوره حدید است که خداوند می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافع برای مردم است» (سوره حدید، آیه ۲۷). برخی از ذخایر طبیعی به دلیل داشتن ویژگی خاص، دارای منافع عمومی برای همه مردم می‌باشد و در آیه مذکور آهن دارای چنین خصوصیتی است و به عنوان یکی از منافع عمومی معرفی شده است و چه بسا بتوان با تنقیح مناط بقیه ذخایر و منافع عمومی را تحت این آیه شریفه دانست. و عبارت «نازل کردن آهن» اشاره به انزال آن از خزائن الهی و از عالم غیب به

عالم شهود است و منافع آهن برای مردم نیز به سبب تاثیری که در تمام شعب زندگی و صنایع مرتبط به آن دارد، از توضیح بی‌نیاز است. (طباطبائی، ۱۷۲/۱۹).

۷- وجه استدلال به آیات

استدلال به آیات مذکور بدین صورت است اولاً: آیات مذکور به صورت قضایای حقیقی بیان شده‌اند و همان‌طور که در تعریف آن ذکر گردید موضوع قضیه حقیقی، مطلق افراد طبیعت است و شامل موجودین و معدومین می‌شود و فقها نیز معتقدند غالب احکام شرعی و آیات قرآن کریم به صورت قضیه حقیقی وارد شدند (خمینی، ۶۳/۲).

ثانیاً: خطابات قرآنی در این آیات به صورت کلی بیان شده و خطابات متوجه عموم مخاطبین است و خطاب واحد است اما مخاطب متعدد است مانند الفاظ «یا ایها الذین»، «یا ایها الناس» که شامل کلیه افراد اعم از موجودین و معدومین می‌شود و اختصاص به گروه خاص یا شخصی ندارد (فاضل لنگرانی، ۱۵۱). و در واقع شارع مقدس در این موارد در مقام جعل قانون برای کلیه مکلفین می‌باشد و خطاب واحد، قانونی است که به عنوان کلی و عام تعلق یافته و لاجرم بر همه افراد قابل انطباق است و نسبت به همه مکلفین حجت است اعم از موجوبین و معدومین (سبحانی، ۲۲۸/۳). مانند قوانین بشری هست که توسط قانونگذار به تصویب می‌رسد و تبعیت از آن برای مردم آن منطقه لازم الاجرا هست اعم از اینکه در زمان تصویب آن قانون موجود بودند یا در آینده به دنیا بیایند که شامل آنان نیز می‌شود. در حقیقت می‌توان گفت که این آیات در مقام بیان احکام و وظیفه مکلفین و جعل قانون برای کلیه مکلفین می‌باشد.

ثالثاً: «الف» و «لام» بکار رفته در واژه‌های «ناس»، «انام» از ادات عموم استغراقی هستند که مفید عموم می‌کنند و دلالت بر تعمیم حکم بر همه افرادش اعم از موجودین و معدومین دارد (خوئی، ۱۵۳/۵).

رابعاً: به کارگیری تدابیری مانند «لکم»، «للانام» و «الناس» در آیات مذکور، بیان‌گر

این حقیقت می‌باشد که مواهب طبیعی، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های دینی و جغرافیایی و نژادی جوامع مختلف، برای تمام انسان‌هاست. گویی رسالت این موجودات آن است که در خدمت انسان باشند. از این‌روست که تعالیم اسلام و نیز دستورات فقهی، همسو با تعمیم حق بهره‌گیری از مواهب طبیعت، برای همه افراد جامعه تنظیم و تدوین گردیده است. (طباطبایی، ۲۷۳-۲۷۴). بنابراین آیات مذکور علاوه بر نسل فعلی (موجودین) دلالت بر نسل آینده (معدومین) هم دارد، همانگونه که احکام الهی و خطابات قانونی شامل موجودین و معدومین می‌شود؛ استفاده از مواهب طبق آیات مذکور شامل نسل فعلی و نسل آینده می‌گردد زیرا نمی‌توانیم قائل باشیم که احکام الهی برای نسل آینده ثابت و ملزم به احکام الهی هستند اما در مقابل حق استفاده از مواهب طبیعی را نادیده انگاریم، بدلیل اینکه هر گاه تکلیفی برای انسان نسبت به امری پدید آید، در مقابل آن تکلیف، حقی نیز وجود خواهد داشت و اگر سخنی از حق بیان می‌شود در مقابل تکلیفی نیز وجود دارد و اثبات هر گونه حقی برای شخصی در جامعه، برای دیگران تکلفی را ایجاد می‌کند. نمی‌توان متلزم شده که در جامعه همه دارای حقوق باشند اما افراد حاضر در آن ملزم به رعایت حقوق یکدیگر نباشد (جوادی آملی، ۲۵).

نتایج مقاله

۱. حقوق نسل‌های آینده یکی از مباحث مهم و حیاتی است که در راستای توسعه پایدار و انصاف بین نسلی می‌باشد.
۲. سه مصداق برای مفهوم حقوق نسل‌های آینده متصور است: اول بر هر نسلی لازم است از منابع طبیعی حفاظت نماید. دوم، با بهره‌برداری از منابع طبیعی لطمات جبران‌ناپذیری به آن وارد نگردد. سوم، منابع طبیعی متعلق به همه نسل‌ها می‌باشد و دلیلی بر اینکه متعلق به نسل خاصی باشد وجود ندارد و متعلق به همه نسل‌ها بدون در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی، نژاد و نسل‌ها می‌باشد و متعلق به نسلی جدا از نسل دیگر نیست.

۳. نسل فعلی علی‌رغم داشتن حق استفاده از مواهب الهی، نباید با بهره‌برداری بیش از اندازه، لطمات جبران‌ناپذیری بر پیکره طبیعت وارد نمایند و همانگونه که حق بهره‌برداری و استفاده از این مواهب را دارند؛ در مقابل تعهد و تکلیف حفاظت از این منابع و انتقال آن به نسل‌های آینده را نیز دارند و به عنوان جانشین خداوند این امانت الهی را به آیندگان بسپارند که این امر موجب همبستگی بین نسل‌ها و ضامن توسعه پایدار و برخورداری همه نسل‌ها از مواهب الهی می‌شود.

۴. برخی به اشتباه بر این باور هستند که فقط اسناد بین‌المللی به حقوق نسل‌های آینده پرداخته است و در دین مبین اسلام هیچ اشاره‌ای به آن نشده است اما روایات و آیات فراوانی وجود دارد که ناظر بر رعایت حقوق نسل‌های آینده است.

۵. برخی از روایات در خصوص بهره‌گیری از ذخایر طبیعی نهفته در زمین مانند معدن، طلا، مس و می‌باشد و برخی در خصوص امانت بودن اموال در دست مردم و جلوگیری از اسراف بیان شده است و برخی از روایت در خصوص انفال و اراضی مفتوحه العنوه است که به صراحت به حقوق نسل‌های آینده اشاره نموده است. طبق روایات وارده، زمین و نعمت‌های الهی را برای همگان دانسته و نسل فعلی هیچ ترجیحی به نسل‌های آینده ندارد. ۶. در قرآن کریم نیز آیات فراوانی وجود دارد که ناظر بر رعایت حقوق نسل‌های آینده است که زمین و نعمت‌های الهی را برای همگان دانسته و نسل فعلی را در مقابل آن مسؤول دانسته و همچنان که احکام الهی بر آیندگان ثابت است و مکلف به اجرای آن هستند، نعمت‌های خدادای نیز به آنان تعلق دارد و مختص نسل فعلی نمی‌باشد.

۷. خطابات قرآنی به صورت قضایای حقیقی بیان شده‌اند و متوجه عموم مردم است و شامل موجودین و معدومین می‌شود. این خطابات مانند قوانین بشری است که توسط قانون‌گذار به تصویب می‌رسد و الفاظ آن مانند «یا ایها الذین»، «یا ایها الناس» هرچند واحد است اما مخاطب آن متعدد است و به عنوان قانون کلی و عام تعلق گرفته است و بر افراد متعدد، قابل انطباق است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، چاپ ششم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق، ج ۲.
۴. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، موسسه النشر الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق، ج ۳.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰.
۶. امامی مبین، مهنوش، حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین الملل محیط زیست، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵.
۷. بالس کریستوفر، ذهنیت نسلی، دیدگاهی روانکاوانه درباره اختلاف نسل‌ها، ترجمه حسین پاینده، فصلنامه فلسفی ارغنون، شماره ۱۹، ۱۳۸۰.
۸. بجنوردی، میرزاحسن، القواعد الفقیه، قم، نشر الهادی، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق، ج ۲.
۹. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۱۰. همو، حق و تکلیف در اسلام، نشر اسراء، چاپ نهم، ۱۳۹۸.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، الحیاة، ترجمه أحمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۱، ۶، ج ۱۳۸۰.
۱۲. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار مسئولان و فعالان محیط زیست، منابع طبیعی و فضای سبز، ۱۳۹۳.
۱۳. خمینی، روح الله، انوار الهدایه فی تعلیقه علی الکفایه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۴۱۵ق، ج ۲.
۱۴. همو، کتاب البیع، تهران موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ج ۱.
۱۵. همو، معتمدالاصول، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۰ق، چاپ اول، ج ۱.
۱۶. خویی، ابوالقاسم، محاضرات فی اصول الفقه، موسسه احیاء آثار آیت الله خویی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق، ج ۵.
۱۷. همو، مصباح الفقاهه، قم، موسسه انصاریان، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، الدارالشامیه، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق.
۱۹. رمضان قوام آبادی، محمدحسین، از ریو تا ریو؛ در تکاپور نسل پایدار، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۹.
۲۰. ساروخانی، باقر، درآمدی بر دائره المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۲۱. ساعدوکیل، امیر؛ عسگری، پوریا، نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۲۲. سبحانی، جعفر، تهذیب الاصول (تقریرات اباحت آیت الله العظمی سید روح الله خمینی)، تهران.
۲۳. سیدرضی، نهج البلاغه، به تصحیح صحیحی صالح، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، نشر عروج، چاپ اول، ۱۴۲۳ق، ج ۳.
۲۴. صدر، سیدمحمدباقر، دروس فی علم الاصول، بیروت، دارالکتب اللبنانی، مکتبه المدرسه، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۲۵. طباطبائی، سیدمحمدکاظم، منطق فهم حدیث، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۴، ج ۲۷، ۱۴۰۷ق.
۲۷. عکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی اعراب القرآن، ریاض، بیت الافکار الدولیه، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۸. فاضل لنگرانی، محمد، اصول فقه شیعه، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، چاپ اول، ۱۳۸۱، ج ۱.
۲۹. همو، کتاب الطهاره، (تقریرات اباحت آیت الله العظمی سید روح الله خمینی)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، نشر عروج، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، انتشارات اسوه، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۳۱. گروه پژوهش مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه، قم، نشر مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق، ج ۹.
۳۳. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، انتشارات دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق، ج ۵.
۳۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، چاپ دهم، ۱۳۸۷، ج ۲۱.
۳۵. منتظری، حسین علی، رساله الحقوق فی الاسلام، انتشارات سرایی، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۳۶. موسوی سبزواری، عبدالاعلی، تهذیب الاصول، بیروت، دارالاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق، ج ۱.
۳۷. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، داراحیا التراث العربی، چاپ ششم، ۱۹۸۱ ق.
۳۸. هوفه، آلفرید، برداشت‌های فلسفی درباره عدالت، انتشارات اختران، چاپ سوم، ۱۳۸۸، مترجم امیرطبری، ۱۳۸۳.
۳۹. یزدی، سیدمحمدکاظم، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری، کتاب بیع، لبنان، انتشارات دارالمصطفی، احیاء تراث، چاپ دهم، ۲۰۱۲ م.

